

# آدمکش کور



مارگارت اتوود

ترجمه شهین آسایش

انتشارات ققنوس

تهران، ۱۳۹۵



اتوود، مارگارت النور، ۱۹۳۹ - م. - Atwood, Margaret Eleanor  
آدمکش کور / مارگارت اتوود؛ ترجمه شهین آسایش. - تهران: ققنوس، ۱۳۸۲.  
۶۵۵ ص. - (ادبیات جهان؛ ۴۷. رمان؛ ۴۱)

ISBN 978-964-311-385-8

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

*The Blind Assassin*

عنوان اصلی:

۱. داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۰ م. الف. آسایش، شهین، مترجم. ب. عنوان.

۸۱۳/۵۴ PS ۳۵۵۲ / ۹۶۴ت

آ۲۳۱الف

این کتاب ترجمه‌ای است از:

**The Blind Assassin**

Margaret Atwood

© O.W. Toad Ltd 2000

© حق چاپ فارسی این کتاب را شرکت آ. دبلیو. تانود  
به انتشارات ققنوس واگذار کرده است.  
تمام حقوق محفوظ است.



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمیری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

\* \* \*

مارگارت اتوود

آدمکش کور

ترجمه شهین آسایش

چاپ هشتم

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۵

چاپ شمشاد

شابک: ۸ - ۳۸۵ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978-964-311-385-8

www.qoqnos.ir

Printed in Iran

۴۲۰۰۰ تومان

## فهرست

### بخش اول

- ۱۳..... پل.....  
۱۶..... معمای مرگ هفته.....  
۱۸..... آدمکش کور: گیاهان ماندگار برای باغ سنگی.....

### بخش دوم

- ۲۳..... آدمکش کور: تخم مرغ آبیژ.....  
۲۹..... گریفین را در قایق بادبانی اش پیدا کردند.....  
۳۱..... آدمکش کور: نیمکت پارک.....  
۳۶..... خواهرزاده نویسنده در اثر سقوط کشته شد.....  
۳۷..... آدمکش کور: فرش‌ها.....  
۴۴..... آدمکش کور: قلبی که با ماتیک کشیده شده.....  
۵۲..... اهدای جایزه لورا چیس.....

### بخش سوم

- ۵۷..... اهدای جایزه.....  
۶۶..... جعبه نقره‌ای.....  
۷۳..... کارخانه دکمه‌سازی.....  
۸۲..... آوبلیون.....

۹۴.....	جهیزیه
۱۰۵.....	گرامافون
۱۱۵.....	روز بختن نان
۱۲۹.....	روبان‌های سیاه
۱۳۳.....	سودا

### بخش چهارم

۱۴۱.....	آدمکش کور: کافه
۱۴۶.....	پشتیبانی چیس از کارهای امدادی
۱۴۸.....	آدمکش کور: روتختی حاشیه مخملی
۱۵۴.....	تقدیر از بنت
۱۵۶.....	آدمکش کور: پیامبر
۱۶۴.....	ارتش شورش اعتصابیون را سرکوب می‌کند
۱۶۶.....	آدمکش کور: اسب‌های شب
۱۷۱.....	شایعه روز تورنتو
۱۷۳.....	آدمکش کور: زنگ مفرغی

### بخش پنجم

۱۸۱.....	پالتوی خز
۱۹۱.....	سرباز خسته
۲۰۱.....	دوشیزه خشونت
۲۱۲.....	دگرگونی اوبد
۲۲۲.....	پیک‌نیک کارخانه دکمه‌سازی
۲۳۶.....	بخشندگان فوت
۲۵۰.....	رنگ کردن با دست
۲۶۳.....	زیرزمین سرد
۲۷۶.....	زیرشیروانی

۲۸۶	.....	اتاق امپریال
۲۹۵	.....	رستوران آرکادین
۳۰۷	.....	رقص تانگو

### بخش ششم

۳۱۹	.....	آدمکش کور: کت و دامن چهارخانه مورب
۳۲۴	.....	پارچه زربفت قرمز
۳۳۰	.....	پیدا شدن دختر مدرسه خانواده هزار فامیل
۳۳۲	.....	آدمکش کور: پیاده روی در خیابان
۳۴۰	.....	آدمکش کور: دربان
۳۵۰	.....	شایعه داغ تورنتو
۳۵۲	.....	آدمکش کور: بیگانه ای در بیخ

### بخش هفتم

۳۶۳	.....	صندوق
۳۷۱	.....	آتش جهنم
۳۸۳	.....	کارت پستالی از اروپا
۳۹۵	.....	کلاه پوست تخم مرغی
۴۰۳	.....	شیفته
۴۱۱	.....	سانی ساید
۴۲۰	.....	زانادو

### بخش هشتم

۴۳۳	.....	آدمکش کور: داستان های گوشتخواران
۴۴۳	.....	در جستجوی یک صفت
۴۴۵	.....	آدمکش کور: زنان هلویی آع آع
۴۵۵	.....	گرفین دولت را از کمونیست های اسپانیا برحذر می دارد

۴۵۷..... آدمکش کور: کیاب پزی کلاه سیلندر

### بخش نهم

۴۶۵..... رختشویخانه

۴۷۴..... زیرسیگاری

۴۸۴..... مردی که سرش آتش گرفته بود

۴۹۱..... واترنیکسی

۵۰۲..... درخت شاه بلوط

### بخش دهم

۵۰۷..... آدمکش کور: مردان مارمولکی زنور

۵۱۲..... شایعه داغ تورنتو

۵۱۴..... نامه ای از بلاویستا

۵۱۶..... آدمکش کور: برج

۵۲۰..... انتقام جویی کمونیست ها در بارسلون

۵۲۱..... آدمکش کور: ایستگاه یونیون

### بخش یازدهم

۵۲۷..... اتاقک

۵۳۲..... بچه گربه

۵۴۰..... منظره زیبا

۵۴۶..... ماه درخشان

۵۵۵..... کافه تریای بتیز

۵۶۵..... پیام

### بخش دوازدهم

۵۷۳..... تمجید گریفین از بیمان مونیخ

- ۵۷۵ ..... جلال و شکوه شاهانه در گاردن پارتی شاهانه
- ۵۷۷ ..... آدمکش کور: اتاق نویدی
- ۵۸۴ ..... آدمکش کور: پرده‌های زرد
- ۵۸۸ ..... آدمکش کور: تلگراف
- ۵۹۰ ..... آدمکش کور: تخریب ساکیل نورن

### بخش سیزدهم

- ۵۹۵ ..... دستکش‌ها
- ۶۰۱ ..... آتش‌خانه‌ها
- ۶۰۷ ..... شیرینی فروشی دایانا
- ۶۱۷ ..... تونده

### بخش چهاردهم

- ۶۲۵ ..... قفل طلایی
- ۶۳۱ ..... پیروزی می‌آید و می‌رود
- ۶۴۱ ..... توده آوار

### بخش پانزدهم

- ۶۴۹ ..... آدمکش کور، پایان سخن: دست دیگر
- ۶۵۱ ..... آبریس چیس گریفین
- ۶۵۱ ..... یک بانوی فراموش‌نشده
- ۶۵۳ ..... در آستانه



آغا محمدخان قاجار را مجسم کنید که فرمان می دهد تمام جمعیت شهر کرمان را بدون استثنا به قتل برسانند یا کور کنند.

سربازانش با حرارت دست به کار می شوند. ساکنان شهر را به صف می کشند، سرهای بزرگسالان را می برند، چشمان کودکان را درمی آورند... بعد صفی از کودکان کورشده شهر را ترک می کنند. بعضی از آنها بیرون شهر سرگردان می شوند، راهشان را در کویر گم می کنند و از تشنگی هلاک می شوند. گروهی دیگر به آبادی های کوچک می رسند... آوازهایی در باره نابودی سکنه کرمان می خوانند....

- ریزارد کاپوشنکی

در دریای بی انتها شنا می کردم، ساحل ناپیدا بود.  
تائیت\* بی رحم بود، دعاهایم مستجاب شد.  
ای که عشق در دلت دمیده است، به یادم آر.

- نوشته روی یک بستوی (برای نگهداری خاکستر مرده)  
خاکسپاری کارناژی

دنیا شعله ای است مشتعل در ظرف شیشه ای تیره.

- شیلا واتسون

\* الهه باروری در اساطیر مصر.